

شخصیت شناسی کودکان

حجت فیروزی



# شخصیت کودکان

حجت اله فیروزی

[hojat@lakmail.ir](mailto:hojat@lakmail.ir)

سال انتشار: ۱۳۹۴

انتشار الکترونیکی

تعداد صفحات: ۲۴

# فهرست مطالب

مقدمه

ماهیت شخصیت

ویژگی های رشد در دوره ابتدایی

ویژگی های رشد جسمی - روانی

ویژگی های رشد جسمی

ویژگی های رشد عاطفی - اجتماعی

ویژگی های رشد ذهنی و شناختی

نقش معلم در شکل گیری شخصیت کودک

اصول و زمینه های شکل گیری شخصیت کودک

جنسیت معلم و شکل گیری شخصیت کودک

بازی و شخصیت

انواع شخصیت در دوره ابتدایی

حساس

جسور و فعال

در خود فرورفته

لجوج و مخالف

بی دقت

فهرست منابع

اعمال و رفتار انسانی همراه با سیر زمان به درجه ای از ثبات می رسد که این اعمال به صورت نماینده و عنوانی برای او شناخته می شود که در روانشناسی از آن به شخصیت تعبیر می کنند.

بخشی از این شخصیت را اعمال اخلاقی انسان از قبیل امانت ، راستی، درستی، و امثال آنها و بخشی ویژگی های جسمانی ، ویژگی های عاطفی و اجتماعی، و روانشناختی و... تشکیل می دهد. و عامل صفات شخصیت کودک ،اجتماع یا جامعه ای است که در آن زندگی می کند.

مدرسه نیز جزئی از این اجتماع بلکه مهمترین عامل موثر اجتماعی است بویژه در مراحل ابتدائی تربیت کودک ، مدرسه عامل بسیار موثری بشمار میرود. اولین اثری که در زندگی عاید کودک می شود نتیجه و بازده تاثیر افرادی است که در محیط او قرار دارند این افراد عبارتند از پدر و مادر ،سایر اعضای خانواده. ولی کودک کمی بزرگتر شد با افراد بیشتری از جمله همبازی ها و معلم در تماس است. همچنین او با محیط جدید تری آشنا می شود و آن محیط مدرسه است در این محیط کودک با کودکان همسال و همچنین معلمی که مربی او است سر و کار دارد .

به احتمال قوی کودک در این سن نمی تواند امور را بسنجد و هدف را تعیین کند زیرا او در این زمان بسیاری از اعمال خود را از دیگران از جمله معلم تقلید می کند.

شخصیت جدیدی که کودک تحت تاثیر اعمال او قرار می گیرد و رفتار او را تقلید می نماید معلم است چون او در نظر کودک عظیم ترین شخصیت می باشد و کودک در برابر خود جز او کسی را نمی پذیرد و غیر از او مقتدای دیگری را نمیشناسد .

معلم مربی آنهاست و راه را برای آنها نشان می دهد . و بلاخره کودک رفتار و اعمال معلم را در همه امور تقلید می کند. و این وظیفه معلم است که با در نظر گرفتن همه ویژگی های کودکان در سنین مختلف و همچنین مراحل رشد آنها و با اطلاع یافتن از تفاوت های فردی آنها بهترین راهنمایی ها و کمک های موجود نسبت به شرایط و امکانات را برای رسیدن به اهداف آموزش به کودک بنماید.

در ادامه این کتاب من سعی کرده ام که تا حد امکان ویژگی های رشدی و عاطفی - اجتماعی و روانشناختی کودکان سنین مدرسه رو را از دیدگاه افراد متخصص در این حوزه را به صورت خلاصه بیان کنم و همچنین خصوصیات معلم و نقش معلم در شکل گیری و تغییر شخصیت کودک را ذکر کنم .

هدف از نوشتن این اثر کوتاه این است که به معلمین و همچنین دانشجو معلمان عزیز و همه کسانی که به نحوی با کودکان سروکار دارند کمک کنم تا بتوانند در کلاس درس:

۱- رابطه متقابل و درستی با همه دانش آموزان با وجود تفاوت های فردی برقرار کنند.

۲- در انتخاب روش تدریس با در نظر گرفتن شخصیت دانش آموزان مشکلات کمتری داشته باشند.

۳- دانش آموزان را در هر سطحی که هستند را درک کنند و به آنها برای برطرف کردن مشکلاتشان کمک کنند.

۴- دانش آموزان را بهتر بشناسند و آنها را در حل منطقی و عقلانی مشکلات یادگیری و همچنین مشکلات مدرسه و خارج مدرسه کمک نمایند.

## ماهیت شخصیت

شخصیت در حقیقت ذات و جوهر فرد است. طریقه فکری و رفتاری مشخص در رابطه با سازش با محیط اجتماعی خود شامل صفات ارزشها، انگیزه، نگرشها توانایی ها، قابلیت ها تصورات، واکنشها، عاطفه است. شخصیت حاصل هزاران کوشش و تلاش و صدها واکنش در مقابل نفوذ محیط و میزان سازگاری افراد با محیط، از طریق شخصیت او معین می شود. انسان براساس شخصیت شناخته می شود و با احساسات و عواطف آنها آشنا می شویم. شخصیت اصطلاحی از کلمه فرانسو و انگلیسی گرفته شده، به معنای نقابی که بازیگران برای نشان دادن نقش بهتر برچهره می گذاشتند. در آموزش و پرورش معلم برای اینکه بتواند در امر تعلیم و تربیت پیشگام باشد باید شخصیت دانش آموزان را بداند و لازمه این علم شناسایی ویژگی های جسمی روانی، شناختی، عاطفی - اجتماعی و... می باشد.

قابل به ذکر است که بنده این اطلاعات را از کتابهای مختلفی جمع آوری کرده ام و در برخی موارد برای تغییر نکردن معنی و همچنین عدم تغییر دیدگاه نویسندگان عین عبارت را در متن کتاب ذکر نموده ام.

## ویژگی های رشد کودکان در دوره ابتدایی (۷ تا ۱۲ سالگی)

ویژگی های رشد جسمی روانی:



نیم دوره اول (از کلاس اول تا سوم): تحرک زیاد

نیم دوره دوم (از کلاس چهارم تا ششم): رفتار منطقی تر، تحریک کمتر

دوره دبستان یکی از مهمترین دوران رشد کودک در زندگی اش به شمار می رود زیرا این دوره

آرام ترین و با نشاط ترین دوره آدمی به شمار می رود و شخصیت کودک حالت مومی شکل

دارد یعنی در این دوره والدین و معلمان می توانند شخصیت کودک را طوری که میخواهند شکل

دهند به ویژه نقش معلم در شکل گیری شخصیت کودک مهم است به همین دلیل دوره دبستان را

دوره ارکان تعلیم تربیت نامیده اند و والدین و معلمان باید اطلاعات لازم را در مورد ویژگی های



رشد این دوره داشته باشد روی همین اصل در اغلب کشورهای پیشرفته بهترین معلمان با مدارج عالی در دوره ابتدایی به کار گرفته می شوند.

ویژگی های رشد جسمی :



وزن کودک در پایان ۶ سالگی حدود ۲۲ کیلوگرم و میزان قد او حدود ۱۲۰ سانتی متر می باشد. و در پایان دبستان وزن کودک به حدود ۲۸ تا ۳۰ و میزان قد او به حدود ۱۵۰ سانتی متر می رسد. در دوره دبستان همانطور که ملاحظه می کنید رشد کودکان کندتر از دوره قبلی است یعنی دوره آرامی را تجربه می کنند در این دوره کودکان به تدریج ضربان قلب و فشار خون طبیعی پیدا می کنند. در پایان دوره دبستان تیپ بدنی بزرگسالی کودک پیدا می شود و والدین و مربیان می توانند در شکل گیری تیپ بدنی بزرگسالی کودک دخالت نمایند. بنابراین یکی از وظایف مهم دوره ابتدایی برنامه ریزی در مورد تربیت بدنی کودک می باشد.

در دوره ابتدایی کودکان تا ۹ سالگی فعالیتهای حرکتی زیادی دارند اما از ۹ سالگی به بعد از فعالیتهای حرکتی آنها کاسته می شود و بهمین دلیل والدین و معلمین از کم حرکتی کودک باید پیشگیری کنند.

ویژگی های رشد عاطفی-اجتماعی:



الف) ایجاد و شکل گیری خودپنداری در کودک: در دوره دبستان به ترتیب در اثر نحوه برخورد والدین و معلمین و موفقیت هایی که کودک در جنبه های مختلف زندگی پیدا می کند باعث می شود که خودپنداری در او شکل گیرد که می تواند مثبت یا منفی باشد.

خودپنداری مثبت باعث تقویت اعتماد به نفس و موفقیت در زندگی می شود زیرا کودک از خودش رضایت دارد خودش را دوست دارد و قدرت سازگاری بالایی پیدا می کند .

اما اگر خودپنداری منفی باشد بخصوص در دوره بلوغ و بزرگسالی می تواند مشکلات جدی برای فرد ایجاد کند و زمینه ناسازگاری و عدم موفقیت او را بوجود می آورد.

ب) تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس: در این دوره اعتماد به نفس در کودک رشد می کند. اعتماد به نفس کودک در این دوره باید از طرف خانواده و معلم تقویت گردد و تمرین داده شود تا در دانش آموز تثبیت گردد.

ج) تثبیت جنسیت: در این دوره کودک به نقش جنسیت خود پی میبرد و مفهوم آنرا درک می کند و برای همیشه تثبیت میگردد . بنابراین والدین و معلمان در این دوره نقش ها و مسئولیتهایی که به کودکان می دهند باید متناسب با جنسیت او باشد در غیر این صورت ممکن است تثبیت جنسیت در کودک دچار مشکل گردد و زمینه ساز انحرافات جنسی شود. بهتر است کودک پسر از پدر و دختر از مادر الگوگیری کند .

د) ارتباط با دیگران: در این دوره با کمک خانواده و معلم از طریق برنامه ریزی های مناسب کودک به تدریج یاد میگیرد که چگونه با دیگران ارتباط برقرار کند یعنی آداب معاشرت را می آموزد بنابراین هرچه محیط غنی تر باشد کودک مهارت بیشتری می آموزد.

ه) عواطف و هیجانات کودکان دبستانی معطوف به زمان حال است و کمتر به گذشته یا حال توجه دارد.

ویژگی های رشد ذهنی و شناختی :



کودک به تدریج صاحب تفکر منطقی می شود اما این تفکر مبتنی بر محسوسات او می باشد  
به همین دلیل معلمین در روش تدریس خود باید از وسایل کمک آموزشی زیاد استفاده کنند .  
کودک در این دوره مفهوم عدد، وزن، حجم، فاصله زمانی و مکانی را به خوبی می فهمد و مرگ از  
نظر او برگشت پذیر است . جاندار پنداری در این دوره واقعی می شود.

## نقش معلم در شکل گیری شخصیت کودک



بعد از پدر و مادر ، معلمان جاذبترین و با نفوذترین افراد در نزد کودک است . دانش آموزان دوره ابتدایی ، شدیداً تحت تأثیر معلم خود قرار دارند و از رفتارش تقلید می کنند . دانش آموز معلم را شخصیتی محترم و مختار می داند . معلم با روح و جان دانش آموز سرو کار دارد و به عنوان یک الگوی محبوب و مطاع پذیرفته می شود و کودکان به شخصیت الگوهای محبوب رفتاری معلم توجه داشته ، آنها را مد نظر قرار می دهد ، تأثیر پذیری و همانند سازی می کند . معلم در شکل گیری شخصیت کودک قاعده و دستوری مجسم است که کودکان ابتدایی آگاهانه یا ناخودآگاه از او تقلید می کنند و شخصیت خود را مطابق با او می سازند معلم باید با روحی سرشار از صداقت و صفا و علاقه و محبت و ایمان به حرفه خود ، به کودک مایه بدهد و موجبات رشد و خوشبختی کودک را فراهم آورد . معلم دانا و آگاه به امور تربیت می کوشد با نفوذی که در شاگرد دارد او را به سوی هدف مطلوب جهت دهد و صفات نیکویی در او بوجود

آورد. در پرورش ذهنی بر طفل فشاری وارد نیاید و به قیمت خسته کردنش مجبور نشود او را فردی برتر پدید آورد.

## اصول و زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت کودک



- ۱- بهترین روش شناخت و هدایت کودکان بر اساس مشاهدات آنان در کارها، رفتارها و روابط واقعی با هم سالان و هم شاگردی‌ها در قالب شکل‌گیری گروه‌های آموزشی نهفته است.
- ۲- معلم مجموعه‌ای از روش‌ها و تکنیک‌های تربیتی آشنایی پیدا می‌کند تا در شرایط مختلف با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی و توانایی‌ها و ظرفیت‌های گوناگون آنها را در موقعیت‌های مناسب با رفتار فرد سازش دهد، به طوری که هر فردی در جهت استعداد، خلاقیت ویژه خود پرورش یابد.

۳- شناخت عمیق معلم از مبانی تعلیم و تربیت و محتوای درس و آموزش و روان شناسی و مراحل رشد اولین و اساسی ترین قدم است و معلم باید هم به صفت علمی و هم به هنر آفرینندگی و خلاقیت مجهز باشد .

۴- ایجاد امنیت خاطر فراگیران و فضایی آرام و با روحیه ای شاد و فعال برای کسب ارزشها و اندختن تجربیات و اعمال روش آزاد منشانه با روحیه باز و سخاوتمندانه به طور که امنیت خاطر فرد در آن تامین شود و با گزینش آگاهانه ارزشها ، زمینه شکل گیری شخصیت کودکان فراهم شود.

۵- بر قراری احترام متقابل معنوی و صمیمی همراه با قاطعیت و سختگیری در مورد معیارها، ارزشها و مقررات از پیش بیان شده بدوراز هر گونه تحمل و اکراه ، در این صورت کودکان احساس شخصیت و عزت نفس پیدا می کنند.

۶- اظهار نظر دیگران و معلم درمورد شخصیت کودک و تمجید و دلگرمی و ارزشیابی کودک از خویش ، مهمترین عامل حرکت و تحویل درروند رشد و پرورش اخلاقی و تحصیلی است و به صورت غیر مستقیم دررفتار ما و در زندگی تجلی می یابد و احساس لذت و خوشایند یک نیاز فطری و یک واکنش طبیعی هر انسان است .

۷- خلاقیت در ظهور گرایش های مثبت در کودک برای سازندگی و باروری و انعطاف پذیری در کارهای نیک و خوب از مهمترین ویژگیهای شکل گیری شخصیت کودک به شمار می آید .

۸- واگذاری مسئولیت به کودک ، مشارکت در زندگی ، به حساب آوردن او ، پذیرش کودک ،

ارضای کنجکاوی ، ارائه الگوهای مناسب ایجاد عادات مناسب ، جهت دادن رفتار در پرورش

شخصیت ، ثبات و نحکیم آن ، اصلی غیر قابل اجتناب است .

۹- توجه به نیازهای کودک از جمله احساس استقلال ، احساس موفقیت ، توانائی حل مشکل ،

داشتن پناهگاه در موارد سخت و دشوار برای حفظ شخصیت ، حمایت پدر و مادر و معلمان را بر

سر خود احساس نماید .

### **جنسیت معلم و شکل گیری شخصیت کودک**

چنانکه می دانیم در فرآیند شکل گیری شخصیت کودکان بیشترین نقش متوجه الگوهای رفتاری

است، چراکه یادگیری اساس رفتار آدمی را تشکیل می دهد. یادگیری های غیر مستقیم، ضمنی و یا

مشاهده ای پایدارترین و مؤثرترین یادگیری ها محسوب می شوند و در این میان مهم ترین نقش

بر عهده ی الگوهای رفتاری است، به عبارت دیگر از آنجایی که تقلید و همانندسازی یکی از مهم

ترین روشهای یادگیری در کودکان است. بنابراین هر قدر الگوهای رفتاری در نزد کودکان از

شخصیت محبوب تری برخوردار باشد رفتارهای کلامی و غیر کلامی آنها بیشتر مورد توجه واقع

می شود، لذا بر کسی پوشیده نیست که معلم ابتدایی به خصوص پایه ی اول الگوی مناسب و



لایقی در نزد کودکان است و رفتار و گفتار و حالات و تمامی افعال معلم حکم تابلوی جهت دهنده به کودک را دارا می باشد و کودک مقلد محض معلم است و معلم با قدرت عملی شگفت آور خود می تواند عمق وجود کودک را تسخیر کند.

حال سؤال اینجاست که نقش جنسیتی معلم پایه اول ابتدایی چه نقش تأثیرگذاری را در انجام مسئولیت خطیر او ایفا می نماید؟

تحقیقات انجام شده در حیطه ی روانشناسی تربیتی، حاکی از آن است که بطور کلی دانش آموزان پسر پایه ی اول دبستانی بیشتر نیازمند همانندسازی با معلمان "مرد"، به مثابه الگوهای مطلوب شخصیتی هستند و دانش آموزان دختر پایه اول و دبستانی به عکس به الگوهای مطلوب "زن" نیاز دارند.

واقعیت امر این است که به خاطر کثرت اشتغالات پدر خانواده در خارج از خانه، اکثر پسر بچه ها تا قبل از ورود به دبستان بیشتر اوقات فعال را با مادر می گذرانند و فرصت لازم برای محسوس شدن با پدر و الگو گیری از رفتارهای مردانه را آنگونه که انتظار می رود، پیدا نمی کنند. از این رو چنانچه پس از ورود به دبستان نیز، معلم و الگوی اصلی دانش آموزان پسر پایه ی اولی "زن" باشد، رشد متعادل شخصیت و فرآیند مطلوب اجتماعی شدن آنها با اختلال قابل توجهی همراه می گردد.

ضمناً تحقیق جدیدی که اخیراً در این مورد توسط پروفیسور توماس دی استاد استنفورد کالیفرنیا انجام گرفته و نتیجه ی آن در روزنامه ی دیلی میل انگلیس انتشار یافته است نیز بیانگر تأیید مطالب فوق می باشد. پروفیسور توماس دی در این تحقیق نتیجه می گیرد که جنسیت معلم در فرایند یاددهی - یادگیری بسیار مؤثر است و در صورتی که دانش آموزان پسر از معلم "مرد" و دانش آموزان دختر از معلمان "زن" برخوردار باشند، عملکرد بهتری را در دوران مدرسه خواهند داشت و این امر به شدت بر پیشرفت آموزشی آنها تأثیر می گذارد. لازم به یادآوری است که پروفیسور "توماس دی" تحقیق خود را بر روی (۲۵هزار) دانش آموز انجام داده است.

## بازی و شخصیت



معلم باید در کلاس و در تدریس از شیوه بازی استفاده های زیادی بعمل آورد. زیرا از طریق بازی یک زندگی سالم رشد یافته و قدرت اراده و تصمیم گیری به صورت کامل رشد خواهد یافت و باعث تکامل کودک و ساخت شخصیت او می شود. کودک ملزم به رعایت مقررات و

قوانین می گردد . او به یادگیری مطالب جدی مشغول می شود . سعی در برقراری ارتباط با دیگران و فردی اجتماعی بار می آید . قادر به شناخت طبیعی خود و کسب معرفت دنیای خارج می شود و توان مداومت در کار به دست می آورد . سعی بر نمونه برداری ، تقلید و همانندی با رفتارهای مورد علاقه می نماید . از طریق بازی بسیاری از نگرشهای مانند وفای به عهد ، کمک به مردم ، همکاری ، سازش ، رقابت به دست می آورد و شخصیت کودک رشد بیشتری می یابد و رفتارهای خود را سازماندهی کرده و شخصیت خود را ثابت می نماید .

## انواع شخصیت در دوره ابتدایی

الف ) حسّاس:

این دانش آموزان و یا حتی بزرگسالان بسیار حسّاس هستند و فطرتاً گرایش زیادی به ترسو یا مضطرب بودن دارند. سابقاً تصوّر می شد که این افراد مصداق کاملی از انسانهای ترسو، محتاط و خجالتی هستند، اما امروزه به این نتیجه رسیده اند که به این شکل نیست، چراکه این کودکان نسبت به محرکهای اساسی مانند تماسهای بدنی ( لمس ) و صداها، حسّاس می باشند و بعنوان نمونه صدای گربه برای آنها به مثابه صدای غرّش شیر جلوه می کند. بنابراین وقتی این کودکان در کلاسهای پرهیاهوی پیش دبستانی قرار می گیرند، بسیار ترسو بنظر می رسند و این در حالی است که در خانه از رفتار خوبی برخوردارند. به بیانی دیگر ظرفیت آنان محدود است و در نتیجه مهم

آنست که معلمان با دانش آموزان دارای شخصیتی حسّاس، لازم است بگونه ای آرامش بخش رفتار کرده و برای آموزش رفتارهای مطلوب به آنها، گام به گام پیش روند. اگر ما به یک چنین دانش آموزانی، از طریق ایجاد محیط پرورشی صحیح و امن کمک کنیم، پیشرفت زیادی نشان می دهد و اعتماد بنفس و شهامت لازم را کسب می نماید؛ ولی در مقابل اگر ما در برابر آنان تسلیم شویم، از آنها افرادی ترسو و مضطرب با گرایش زیاد به افسردگی ساخته ایم.

ب) جسور و فعّال :

این دانش آموزان نسبت به کسب درون دادهای حسی تمایل و اشتیاق زیادی نشان میدهند و بعنوان نمونه می بینیم که با گشتن در محیط اطراف خود سعی در دستیابی به نکات جدید دارند. این افراد از نظر شخصیتی میتوانند دارای نگرشی منفی با روحیه ای ضد اجتماعی باشند و یا در مقابل قادرند رشد و پیشرفت نموده به افرادی با روحیه رهبریت و کوشا در ایجاد شرایط جدید و یا سیاستمداری موفق تبدیل گردند. هنگامیکه در مورد کودک حسّاس نسبت به صداها و تماسهای بدنی صحبت می کنیم، می بینیم که آنان از حسّاسیت بالایی برخوردارند ولی با بررسی گروه دوم در می یابیم که در برابر محرکهای مذکور حسّاسیت بسیار کمتری نشان میدهند و بعنوان نمونه تمایل زیادی به صداها بلند داشته نسبت به درد و تنبیهات دیگران حسّاسیتی بروز نمی دهند و حتی از آن لذت هم می برند؛ اما باید توجه کرد که این امر بدلیل نیاز به دریافت مقادیر زیادی از محرکات است نه بدلیل بی تفاوتی نسبت به تحقیر و یا داشتن روحی پست. با این تفاسیر ممکن

است دانش آموزان مذکور به اشتباه پرخاشگر شناخته شوند و اگر به جای درمان فقط بر آرام نمودن او پافشاری گردد، قطعاً با گذر زمان به فردی پرخاشگر تبدیل خواهند شد. در برخورد با این گروه لازم است تعدادی دستور العمل را آماده نموده، در اختیار او قرار دهیم تا بداند انتظارات ما از او چیست و باید به این نکته توجه شود که از تنبیه و کنار کشیدن او از جمع خودداری نموده، ضروری است تا با ایجاد محیطی بالنده و مناسب به پرورش او پردازیم..

ج) در خود فرو رفته / کم واکنش :

این دانش آموزان توانایی بروز احساسات خود را ندارند و مایلند در خود فرو رفته به رؤیاپردازی مشغول شوند؛ بعلاوه در بعضی از آنان هماهنگی کمی در اندامهای حرکتی دیده شده اصطلاحاً به تنش عضلانی کم مبتلا هستند. برای جلب توجه او لازم است با صدای کاملاً بلند صحبت کرده برای جلب توجهش فعالیتها و حرکات بدنی زیادی ضمن صحبت با او از خود نشان داد. این گروه از دانش آموزان در گوشه ای نشسته، چنین وانمود می کنند که با خود مشغول بازی هستند و تمایل زیادی نسبت به تنها ماندن نشان می دهند، بعلاوه به بازیهای کامپیوتری که بیشتر جنبه فعالیتهای انفرادی دارند ابراز علاقه می نمایند. با توجه به مطالب مذکور چنانچه بتوانیم آنان را از عالم درونیشان بیرون بکشیم و در برخورد با دیگران فرصت فرار به آنها ندهیم، قادر خواهیم بود افرادی بسیار خلاق، گرم، دوست داشتنی و عبارتی پرورش یافته به اجتماع تحویل دهیم.

د) لجوج و مخالف ( عناد ورز ) :

دانش آموزی با چنین ویژگی ، نسبت به هر چیز دیدی مخالف و منفی داشته، هر محرکی که به گیرنده های حسی او مانند لامسه، شنوایی و ... وارد می آید در ذهن او یک تصویر بزرگ و واضحی جهت بررسی و تحلیل بوجود می آورد، او بعنوان یک تحلیلگر به بررسی هرچیز در پیرامون خود می پردازد و تلاش زیادی برای کنترل محیط اطراف نموده، سعی می کند که خودش هیچگاه تحت کنترل دیگران قرار نگیرد؛ اما علیرغم تمام تلاشها، اگر نتواند بر محیط پیرامون خود تسلط لازم را پیدا کند و عبارتی خودش نیز تحت کنترل اطرافیان قرار گیرد، احساس ترس و اضطراب بسیاری به او دست میدهد و تلاش زیادی را مصروف تغییر جهت این توجه و تسلط می نماید. برای ریشه یابی این ویژگی، باید توجه داشت که علت اصلی این کوششها صرفا حفظ آرامش خود است و با در نظر گیری این نکته قادر خواهیم بود به او کمک کنیم تا انعطاف پذیر تر بوده با دیگران همکاری بیشتری نشان دهد و در این رابطه تنها نکته کلیدی آن است که به هیچ وجه با او برخوردی تند و خصمانه نداشته باشیم.

ه) بی دقت:

این دانش آموزان بسیار حواسپرت هستند بطوری که حتی در بعضی موارد راه همیشگی خود را هم گم می کنند؛ از طرفی بسیاری از آنان بعنوان فردی با اختلال کمبود توجه و تمرکز شناخته

می شوند و لازم است با نظارت یک متخصص تحت درمانهای دارویی با داروهایی همچون ریتالین قرار گیرند. این گروه از دانش آموزان در تواناییهایی همچون طرح ریزی و انجام فعالیت‌های متوالی و سلسله وار مانند دنبال کردن راههای مختلف به مدرسه و یا به خاطر آوردن محل قرار گرفتن اشیا مشکل دارند و در سنین بزرگسالی هم از آن دسته افراد محسوب می شوند که هیچگاه نمی توان روی آنها بعنوان یک دستیار یا همکار خوب و دقیق حساب کرد، چراکه غالباً فراموش می کنند اشیا را کجا گذاشته اند و یا به یاد نمی آورند که چه کاری می خواستند انجام دهند، مسیرهای رسیدن به یک هدف را به خوبی دنبال نمی کنند و در مشاغل مختلف هم با مسائل و مشکلات عدیده ای روبرو می گردند. برای رفع مشکل این افراد، برخی از متخصصین توصیه می کنند که: ما می توانیم با افزایش توانایی انجام فعالیت‌های متوالی بعنوان یک فعالیت اصلی و پایه ای از طریق اجرای یک سری تمرینهای ویژه و بدون مصرف دارو، به آنها کمک کنیم و در نهایت چنانچه احساس نیاز همچنان وجود داشت و شکستهای متوالی در انجام فعالیت‌های مذکور مشاهده گردید، می توان در کودکان بزرگتر از دارودرمانی بعنوان انتخابی احتمالی و تحت نظارت متخصص مربوطه، استفاده نمود..

نکتهٔ حائز اهمیت آن است که وضعیت بیولوژیکی فرد، الزاماً سرنوشت وی رامقدّر نمیکند و در این راستا تشخیص نوع کلی شخصیت کودک امری اساسی بنظر میرسد.

از آنجایی که برخی از والدین خود را بعنوان الگوی تربیتی فرزندانشان مسئول نمی دانند، لذا می توان آموزشهایی طرح ریزی کرد و از آن طریق به ارائه قسمت عمده ای از راه حل پرداخت. بر این اساس لازم است در برنامه های خود نکاتی پیرامون اهمیت شناخت اولیّه آنان از ابعاد هیجانی و فکری فرزندانشان گنجانده، به ایشان کمک کنیم تا به کسب مهارتهای جدیدی که الزاما همکاری والدین را میطلبند پردازند. در راستای تحقق این برنامه، والدین نیاز به ابزاری دارند که می توان آن را ارائه بهترین اطلاعات موجود دانست و شامل در اختیار گذاردن اطلاعاتی پیرامون انواع شخصیت و چگونگی اعمال روشهای تربیتی مؤثر برای هر نوع است. با در نظرگیری ویژگیهای دانش آموزان در میابیم که آنان شخصیتی خالص و یکدست نداشته بلکه دارای مخلوطی از انواع شخصیتها هستند بعنوان نمونه ممکن است ترکیبی از کمی مبارزه طلبی به همراه اندکی حساسیت باشند. اما چنانچه بتوانیم این الگوها را درک کنیم، قادر خواهیم بود تا برخی از راه حلها را با هم ترکیب و ملحق نماییم.

برطبق گزارشهای ارائه شده که بیش از نیمی از والدین، متخصصین و معلمان هنوزبراین باورند که کودکان باید تابع آنان باشند به عبارتی تمامی تلاشهایی را که در راستای تربیت آنها بکار می برند در جهت سازگار نمودن آنان با اصول اجتماع نیست، بلکه کودکان را بنا بر سلیقه و الگوهای شخصی خودشان پرورش داده، بر همین اصل اجتماعی می نمایند.



در بین این افراد کسانی را با این باور کلی می بینیم که بعضی از کودکان خارج از این الگوها و قالبها قرار می گیرند مانند آنکه بطور توارثی خجالتی تر و یا برونگراتر از بقیه بنظر می رسند. بسیاری از مربیان نیز فکر میکنند که اگر ماصرفا محیط را با شرایط کودک متناسب سازیم ، وضعیت او بهتر خواهد شد. هم اکنون نیز در بین عموم این فکر در حال شکل گیری و تکوین است که راههای تربیتی پیچیده تر را استفاده نموده انواع مختلف شخصیت را شناسایی کرده برای هر کودک روش پرورشی و نحوه ابراز محبت متفاوتی اعمال نمایند. و بهر ترتیب باید توجه داشت که تربیت همه کودکان بایک شیوه مشابه امکان پذیر نخواهد بود. بلکه همانطور که علی رغم میزان علاقه یکسان ما به همه آنها، نحوه اظهار محبتمان متفاوت است، به همان صورت نیز لازم است شیوه تربیتی متناسب با نوع شخصیت هر کودک را نیز اتخاذ نماییم.

## منابع و مآخذ

- ۱- تربیت و سازندگی تالیف دکتر علی قائمی
- ۲- روان شناسی بازی تالیف دکتر سیامک رضا مهجور
- ۳- پایه های اساسی ساختار شخصیت انسان تالیف رضا فرهادیان
- ۴- روانشناسی رشد دکتر حسین لطف آبادی